

لغات و اصطلاحات تجاری انگلیسی Business English

English Term Persian Translation

Advantage	مزیت
Advertise	تبلیغ
Advice	راهنمایی/توصیه
Agenda	صور تجلسه
Authorization	مجوز رسمی
Bill	اسکناس
Brand	نام تجاری
Budget	بودجه
Capital	سرمایه
Change	ارز
Commission	کمیسیون
Competition	رقابت
Competitor	رقیب
Confirmation	تاییدیه
Costs	هزینه‌ها
Creditor	طلبکار
Customer	مشتری
Deadline	مهلت
Debt	بدهی
Debtor	بدهکار
Decision	تصمیم
Decrease	کاهش
Deficit	کسری بودجه

English Term Persian Translation

Delivery	تحويل
Department	بخش (يك سازمان)
Difference	تفاوت
Disadvantage	معایب
Distribution	توزیع
Drop	سقوط (قیمت)
Employ	استخدام کردن
Employee	کارمند
Enquiry	پرسوجو
Equipment	تجهیزات
Establish	راه اندازی
Estimate	تخمین زدن
Exchange	مبادله
Explanation	توضیح
Extend	گسترش
Facilities	امکانات
Factory	کارخانه
Feedback	بازخورد
Fund	سرمایه
Goods	کالا
Growth	رشد
Guarantee	تضمین
Improve	بهبود
Increase	افزایش دادن

English Term Persian Translation

Industry	صنعت
Inform	اطلاع رسانی کردن
Interest	بهره
Inventory	موجودی
Invoice	فاکتور/صورتحساب
Join	متصل کردن
Knowledge	دانش
Lend	قرض دادن
Loss	از دست دادن
Maintain	حفظ کردن
Margin	حاشیه
Market	بازار
Mention	نظر/دیدگاه
Negotiation	مذاکره
Objective	هدف
Offer	پیشنهاد
Option	گزینه
Output	خروجی
Owe	بدهکار بودن
Pay	پرداختن پول
Payment	مبلغ (قابل پرداخت)
Permission	اجازه
Price	قیمت
Produce	تولید کردن

English Term Persian Translation

Product	محصول
Profit	سود
Purchase	خرید
Raise	بالارفتن (قیمت)
Reduce	کاهش دادن
Refund	بازپرداخت
Refuse	امتناع کردن
Remind	یادآوری
Report	گزارش
Resign	استعفا
Retailer	خردهفروش
Risk	خطر
Return	برگشت (کالا)
Salary	حقوق
Schedule	برنامه
Sell	فروختن
Share	سهم
Shipping	ارسال کالا
Signature	امضا
Stock	سهام
Success	موفقیت
Suggestion	پیشنهاد
Supply	عرضه
Support	حمایت کردن

English Term Persian Translation

Target	هدف
Transaction	معامله
Transport	حمل و نقل

اصطلاحات تجاری به زبان انگلیسی

1. Agreement – توافق
2. Annual report – گزارش سالانه
3. Assets – دارایی‌ها
4. Balance sheet – ترازنامه
5. Bankruptcy – ورشکستگی
6. Benchmark – معیار
7. Bond – اوراق قرضه
8. Brand – برند
9. Budget – بودجه
10. Capital – سرمایه
11. Cash flow – جریان نقدی
12. CEO (Chief Executive Officer) – مدیر عامل
13. Client – مشتری
14. Commission – کمیسیون
15. Competitor – رقیب
16. Contract – قرارداد
17. Corporation – شرکت بزرگ
18. Cost – هزینه
19. Credit – اعتبار
20. Customer – مشتری
21. Debt – بدهی
22. Deal – معامله
23. Demand – تقاضا

24. Discount تخفیف
25. Dividend سود سهام
26. Earnings درآمد
27. Economy اقتصاد
28. Employee کارمند
29. Entrepreneur کار آفرین
30. Equity حقوق صاحبان سهام
31. Expense هزینه
32. Export صادرات
33. Financial statement صورت مالی
34. Fiscal year سال مالی
35. Forecast پیش‌بینی
36. Growth رشد
37. Income درآمد
38. Industry صنعت
39. Inflation تورم
40. Inventory موجودی
41. Investment سرمایه‌گذاری
42. Invoice فاکتور
43. Labor کارگر
44. Liabilities بدهی‌ها
45. Loan وام
46. Management مدیریت
47. Market بازار
48. Market share سهم بازار
49. Marketing بازاریابی
50. Merger ادغام
51. Negotiation مذاکره
52. Net profit سود خالص

- .53 Opportunity فرصت
- .54 Partnership شراکت
- .55 Payment پرداخت
- .56 Payroll لیست حقوق
- .57 Plan برنامه
- .58 Product محصول
- .59 Production تولید
- .60 Profit سود
- .61 Project پروژه
- .62 Purchase خرید
- .63 Quotation قیمت‌گذاری
- .64 Receipt رسید
- .65 Revenue درآمد
- .66 Risk ریسک
- .67 Sales فروش
- .68 Savings پس‌انداز
- .69 Service خدمات
- .70 Shareholder سهام‌دار
- .71 Shipping حمل‌ونقل
- .72 Stock سهام
- .73 Strategy استراتژی
- .74 Supply عرضه
- .75 Target market بازار هدف
- .76 Tax مالیات
- .77 Trade تجارت
- .78 Transaction تراکنش
- .79 Trend روند
- .80 Turnover گردش مالی
- .81 Valuation ارزیابی

82.	Venture سرمایه‌گذاری
83.	Warehouse انبار
84.	Wholesale عمده‌فروشی
85.	Workforce نیروی کار
86.	Yield بازده
87.	Gross profit سود ناخالص
88.	Overhead costs هزینه‌های سربار
89.	Break-even point نقطه سر به سر
90.	Stakeholder ذینفع
91.	Market research تحقیقات بازار
92.	Brand loyalty وفاداری به برند
93.	Customer satisfaction رضایت مشتری
94.	Corporate culture فرهنگ سازمانی
95.	Supply chain زنجیره تامین
96.	Competitive advantage مزیت رقابتی
97.	Cost-effective مقرون به صرفه
98.	Outsourcing برون‌سپاری
99.	Economies of scale صرفه‌جویی ناشی از مقیاس
100.	Liquidity نقدینگی

اصطلاحات حمل و نقل و تجارت بین‌المللی:

101.	Manufacturer تولید کننده
102.	Notify party طرف اطلاع گیرنده
103.	Port of loading محل بارگیری
104.	Port of discharge بندر تخلیه
105.	Final place of delivery محل نهایی تحویل
106.	Supplier تأمین کننده کالا و خدمات
107.	Exporter صادر کننده
108.	Importer وارد کننده

Proforma Invoice – پیش فاکتور	.109
Description of goods – شرح کالا	.110
Net weight – وزن خالص	.111
Invoice – صورتحساب	.112
HS Code (Harmonized System Code) – کد کالا	.113
Certificate of origin – گواهی مبدأ	.114
Certificate of manufacture – گواهی تولید	.115
Certificate of analysis – گواهی آنالیز	.116
Inspection company – شرکت بازرسی	.117
Bill of Lading – بارنامه	.118
Shipped on board – حمل شده روی عرشه	.119
Clean Bill of Lading – بارنامه تمیز	.120
Cargo or shipment – محموله یا کالا	.121
Dry Cargo – کالای خشک	.122
Dangerous goods or hazardous – کالای خطرناک	.123
Shipping instructions – دستورات حمل	.124
Shipper or consignor – فرستنده یا صادر کننده	.125
Consignee – گیرنده محموله	.126
Gross weight – وزن ناخالص	.127
Cargo value – ارزش کالا	.128
Dimensions – ابعاد محموله	.129
Container load – ظرفیت بار کانتینر	.130
Container tare weight – وزن خالی کانتینر	.131
Full container load (FCL) – بار کامل کانتینر	.132
Less than container load (LCL) – کمتر از ظرفیت کانتینر	.133
Ocean vessel/voyage no – نام کشتی / شماره سفر	.134
Freight charges – هزینه حمل	.135
Terminal handling charges (THC) – هزینه‌های ترمینالی	.136
Freight payable at – هزینه حمل پرداختی در	.137

Freight prepaid at –	138.
هزینه پیش پرداخت حمل در	
Container number –	139.
شماره کانتینر	
Seal number –	140.
شماره پلمپ	
Marks & numbers –	141.
علائم و شماره‌ها	
Number & kind of packages –	142.
تعداد و نوع بسته‌بندی	
Stuffing –	143.
بارگیری و تخلیه بار	
Reference goods –	144.
کالای مرجوعی	
Abandoned goods –	145.
کالای متروکه	
Bulk –	146.
کالای فله‌ای	
Dumping –	147.
عرضه کالا با قیمت کمتر	
Launcher –	148.
بار انداز	

اینکوترمز (شرایط تجاری بین المللی):

EXW (Ex Works) –	149.
تحویل درب کارخانه	
Free Carrier (FCA) –	150.
تحویل به حمل کننده	
FOB (Free on Board) –	151.
تحویل در عرشه کشتی	
CFR (Cost and Freight) –	152.
هزینه و کرایه حمل تا مقصد	
CIF (Cost, Insurance, and Freight) –	153.
هزینه، بیمه و کرایه حمل تا مقصد	

مثال اصطلاحات رایج تجار در زبان انگلیسی

The agreement was signed by both parties.

توافق توسط هر دو طرف امضا شد.

The company releases its annual report in March.

شرکت گزارش سالانه خود را در ماه مارس منتشر می‌کند.

The firm has valuable assets such as real estate.

شرکت دارای دارایی‌های ارزشمندی مانند املاک است.

The balance sheet showed a significant increase in profits.

ترازنامه افزایش قابل توجهی در سود را نشان داد.

The company declared bankruptcy last year.

شرکت سال گذشته اعلام ورشکستگی کرد.

They set a new benchmark for customer service.

آنها معیار جدیدی برای خدمات به مشتری تعیین کردند.

Investing in government bonds is considered safe.
سرمایه‌گذاری در اوراق قرضه دولتی به عنوان سرمایه‌گذاری ایمن در نظر گرفته می‌شود.

The brand is well-known for its quality products.
این برند به خاطر محصولات با کیفیت خود شناخته شده است.

Our marketing team is working on the budget for next year.
تیم بازاریابی ما روی بودجه سال آینده کار می‌کند.

The company raised capital through a public offering.
شرکت از طریق عرضه عمومی سرمایه جمع‌آوری کرد.

Managing cash flow is critical for small businesses.
مدیریت جریان نقدی برای کسب‌وکارهای کوچک حیاتی است.

The CEO addressed the shareholders at the annual meeting.
مدیر عامل در جلسه سالانه با سهامداران صحبت کرد.

Our client list is growing every month.
لیست مشتریان ما هر ماه در حال رشد است.

He earns a commission on every sale he makes.
او از هر فروشی که انجام می‌دهد، کمیسیون می‌گیرد.

Our biggest competitor has just launched a new product.
بزرگترین رقیب ما به تازگی یک محصول جدید عرضه کرده است.

We need to renew our contract with the supplier.
باید قرارداد خود را با تامین کننده تمدید کنیم.

The corporation expanded its operations into new markets.
شرکت بزرگ فعالیت‌های خود را به بازارهای جدید گسترش داد.

The cost of raw materials has increased.
هزینه مواد اولیه افزایش یافته است.

We need to improve our credit rating to secure better loans.
باید رتبه اعتباری خود را بهبود دهیم تا وام‌های بهتری دریافت کنیم.

Providing excellent customer service is our top priority.
ارائه خدمات عالی به مشتریان، اولویت اصلی ما است.

The company is facing significant debt due to poor management.
شرکت به دلیل مدیریت ضعیف با بدهی‌های زیادی مواجه است.

We made a deal with the supplier to reduce costs.
با تامین کننده برای کاهش هزینه‌ها معامله کردیم.

Demand for our products has surged in recent months.
تقاضا برای محصولات ما در ماه‌های اخیر افزایش یافته است.

We offered a 10% discount on bulk orders.

ما برای سفارشات عمده 10 درصد تخفیف ارائه دادیم.

The company declared a dividend for its shareholders.

شرکت برای سهامداران خود سود سهام اعلام کرد.

Earnings have been steadily increasing over the past few years.

درآمدها در چند سال گذشته به طور مداوم افزایش یافته است.

The global economy is facing new challenges.

اقتصاد جهانی با چالش‌های جدیدی مواجه است.

The company hired 50 new employees this year.

شرکت امسال 50 کارمند جدید استخدام کرد.

He is an entrepreneur who started his own tech company.

او کارآفرینی است که شرکت فناوری خود را راه‌اندازی کرد.

The equity of the shareholders increased by 15%.

حقوق صاحبان سهام 15 درصد افزایش یافت.

We need to reduce our expenses to stay profitable.

باید هزینه‌های خود را کاهش دهیم تا سودآور بمانیم.

They export their products to over 30 countries.

آنها محصولات خود را به بیش از 30 کشور صادر می‌کنند.

The financial statement shows a healthy profit margin.

صورت مالی حاشیه سود خوبی را نشان می‌دهد.

The company's fiscal year ends in December.

سال مالی شرکت در دسامبر به پایان می‌رسد.

The forecast predicts strong growth for the next quarter.

پیش‌بینی‌ها رشد قوی برای سه ماهه آینده را نشان می‌دهند.

The company's growth rate has exceeded expectations.

نرخ رشد شرکت از انتظارات فراتر رفته است.

He receives income from multiple sources.

او از چندین منبع درآمد کسب می‌کند.

The manufacturing industry has seen significant advancements.

صنعت تولید پیشرفت‌های قابل توجهی داشته است.

Inflation has led to higher prices across the board.

تورم باعث افزایش قیمت‌ها در همه بخش‌ها شده است.

We need to take inventory before placing a new order.

باید موجودی را بررسی کنیم قبل از اینکه سفارش جدید بدهیم.

They are looking for new investment opportunities.

آنها به دنبال فرصت‌های جدید سرمایه‌گذاری هستند.

We received the invoice for last month's order.

ما فاکتور سفارش ماه گذشته را دریافت کردیم.

The labor strike caused delays in production.

اعتصاب کارگران باعث تأخیر در تولید شد.

The company's liabilities are higher than its assets.

بدهی‌های شرکت بیشتر از دارایی‌های آن است.

We applied for a loan to finance the expansion.

ما برای تأمین مالی گسترش درخواست وام کردیم.

Effective management is key to running a successful business.

مدیریت مؤثر کلید موفقیت در اداره کسب‌وکار است.

We are entering a new market to expand our reach.

ما در حال ورود به یک بازار جدید برای گسترش دامنه فعالیت خود هستیم.

Their market share increased by 5% last year.

سهم بازار آنها سال گذشته 5 درصد افزایش یافت.

We need to improve our marketing strategy.

باید استراتژی بازاریابی خود را بهبود دهیم.

The merger between the two companies was finalized last week.

ادغام بین دو شرکت هفته گذشته نهایی شد.

فرهنگ اصطلاحات بازرگانی و تجارت

فرهنگ اصطلاحات بازرگانی و تجارت شامل مجموعه‌ای از کلمات و عبارات است که در فعالیت‌های تجاری و اقتصادی به‌کار می‌روند. این اصطلاحات به بهبود ارتباطات و افزایش فهم در مباحث اقتصادی و بازرگانی کمک می‌کنند. در زیر، به برخی از مهم‌ترین اصطلاحات و عبارات بازرگانی و تجارت اشاره می‌شود:

اصطلاحات کلیدی بازرگانی و تجارت

1. **Agreement (توافق):** توافق که بین دو یا چند طرف برای انجام یک معامله یا پروژه برقرار می‌شود.
2. **Assets (دارایی‌ها):** منابع مالی یا فیزیکی که یک شرکت در اختیار دارد.
3. **Balance Sheet (ترازنامه):** گزارشی مالی که وضعیت مالی یک شرکت را در یک زمان خاص نشان می‌دهد.
4. **Bankruptcy (ورشکستگی):** وضعیتی که یک شرکت یا فرد نمی‌تواند بدهی‌های خود را پرداخت کند.
5. **Brand (برند):** نام، نشانه، یا سمبلی که یک محصول یا شرکت را از دیگران متمایز می‌کند.
6. **Capital (سرمایه):** منابع مالی مورد نیاز برای راه‌اندازی و مدیریت یک کسب‌وکار.
7. **Cash Flow (جریان نقدی):** میزان نقدینگی ورودی و خروجی از یک شرکت در یک دوره زمانی خاص.
8. **Client (مشتری):** شخص یا شرکتی که از خدمات یا محصولات یک شرکت استفاده می‌کند.

9. **Contract** قرارداد: (توافق کتبی یا شفاهی بین دو یا چند طرف که شرایط و الزامات یک معامله را مشخص می‌کند).

10. **Debt** بدهی: (مبلغ پولی که یک شخص یا شرکت به دیگری بدهکار است).

اصطلاحات مالی و حسابداری

11. **Expense** هزینه: (هزینه‌هایی که یک شرکت برای تولید کالا یا خدمات خود پرداخت می‌کند).

12. **Income** درآمد: (درآمد حاصل از فروش کالاها یا خدمات).

13. **Investment** سرمایه‌گذاری: (مبلغی که برای کسب درآمد یا سود بیشتر به کار می‌رود).

14. **Liabilities** بدهی‌ها: (تعهدات مالی یک شرکت که باید در آینده پرداخت شوند).

15. **Net Profit** سود خالص: (درآمد باقی‌مانده پس از کسر تمامی هزینه‌ها و بدهی‌ها).

16. **Revenue** درآمد: (کل درآمد حاصل از فروش کالاها یا خدمات یک شرکت).

17. **Tax** مالیات: (مبلغی که توسط دولت از درآمد یا سود یک شرکت دریافت می‌شود).

اصطلاحات تجاری بین‌المللی

18. **Export** صادرات: (فروش کالا یا خدمات به کشورهای دیگر).

19. **Import** واردات: (خرید کالا یا خدمات از کشورهای دیگر).

20. **Freight** حمل و نقل: (هزینه یا فرآیند انتقال کالاها از یک مکان به مکان دیگر).

21. **Market Share** سهم بازار: (درصدی از بازار که یک شرکت نسبت به سایر رقبا در اختیار دارد).

22. **Supply Chain** زنجیره تأمین: (شبکه‌ای از افراد، سازمان‌ها و منابع که برای تولید و عرضه کالاها همکاری می‌کنند).

اصطلاحات مدیریتی

23. **Management** مدیریت: (فرآیند برنامه‌ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل منابع برای دستیابی به اهداف سازمانی).

24. **Merger** ادغام: (ترکیب دو یا چند شرکت برای تشکیل یک شرکت جدید).

25. **Negotiation** مذاکره: (فرآیند بحث و تبادل نظر برای رسیدن به توافق در یک معامله).

نکات کاربردی

- یادگیری این اصطلاحات به شما کمک می‌کند تا در مذاکرات تجاری، نوشتن ایمیل‌ها و مستندات، و تعامل با مشتریان و همکاران خود موفق‌تر باشید.
- برای بهبود مهارت‌های زبانی خود در زمینه تجارت، می‌توانید به مطالعه مقالات، کتاب‌ها و دوره‌های آنلاین مرتبط بپردازید.